

روند کشف حجاب در تاریخ معاصر



ساختار طبیعی فلات ایران در طول اعصار تاریخی این مرز و بوم و مرکزیتی که به دلیل داشتن پل ارتباطی بین شرق و غرب عالم داشت باعث شد که این سرزمین سالیان سال در معرض یورش و تهاجمات اقوام و ملل گوناگون قرار گیرد. بدیهی است که این یورشها توسط اقوامی که دارای فرهنگ و اعتقادات ویژه خود بودند صورت می‌گرفت و شدیدترین فشارها را بر فرهنگ بومی و سنتی جامعه به وجود می‌آورد.

ساختار طبیعی فلات ایران در طول اعصار تاریخی این مرز و بوم و مرکزیتی که به دلیل داشتن پل ارتباطی بین شرق و غرب عالم داشت باعث شد که این سرزمین سالیان سال در معرض یورش و تهاجمات اقوام و ملل گوناگون قرار گیرد. بدیهی است که این یورشها توسط اقوامی که دارای فرهنگ و اعتقادات ویژه خود بودند صورت می‌گرفت و شدیدترین فشارها را بر فرهنگ بومی و سنتی جامعه به وجود می‌آورد.

بدین گونه قوم ایرانی که از اعصار باستان اعتقاد به پوشیدگی و مستوری زن داشت و حتی خدایان و الهه‌ها را در اوج پاکي و قداست می‌پرستید و با قبول دین اسلام و تأکید و تأیید این دین بیش از پیش بر پوشیدگی زنان دقت می‌کرد، تحت فشارهای گوناگون قرار گرفت : «« هجوم مغول بعینه نمونه‌«ای از این فشارها مبنی بر حضور زن بدون پوشش در مجامع عمومی بود که پس از قدرت گرفتن حکومت‌های شیعی مذهبی چون سربداران و صفویان منتفی شد و زن ایرانی با پوشش همچنان به حضور خود در اجتماع می‌«پرداخت.« دوران قاجاریه به عنوان نخستین دوران رویارویی نزدیک با غرب حائز اهمیت بود. ایرانیان نخستین تجربیات تلخ شکست از غرب را در جنگ‌های ایران و روسیه آزمودند و به ناچار به تفوق نظام جنگی و علمی آنان آگاه شدند. بروز جنگ‌های ایران و روس، روابط ایران را که سالیان سال به دلیل جنگ‌های داخلی از اوضاع جهانی بی‌خبر بود گسترش داد و رفت و آمد خارجی‌ان فزونی گرفت. از سویی دیگر اعزام محصلین ایرانی به خارج از کشور به منظور کسب علوم و فنون جدید، ایرانیان را با سبک زندگی غربی آشنا کرد. همین رفت و آمدها به دربار و ارتباط خارجی‌ان با ایرانیان در نوع پوشش مردان تأثیر گذاشت و کم‌کم استفاده از پیراهن و کفش چرمی معمول گشت.

تغییر لباس زنان اندرون نیز پس از سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا آغاز شد و به تدریج از حرمسرای شاهی به خانه اعیان و سایر اقشار جامعه سرایت نمود. اما پوشش زنان در بیرون از خانه تا دوره مشروطیت و مدتی پس از آن به همان شکل سنتی (چادر، چاقچور و روبنده) بود. تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه در جامعه زنان بی‌تأثیر نبود، به ویژه آنکه احزاب سیاسی و گروه‌های متعدد مسئله تعلیم و تربیت زنان و اصلاح وضعیت آنان را در رأس برنامه خود قرار داده بودند. آنان یکی از عوامل اصلی متمدن بودن را حضور زنان در عرصه اجتماع می‌دانستند و مانع اصلی این حضور را در سبک و شیوه زیستی و سنتی جامعه و نوع پوشاک جست‌وجو می‌کردند. بنابر این به دنبال یک سری انتقادات نسبت به حضور زنان در اندرونی، خواستار حضور آنان در جامعه بودند. بدین منظور یک جریان پنهان اما مستمر با بیان آزادی زن از اسارت بین تجددخواهان بروز کرد. اینان خواستار حضور زن در عرصه اجتماعی بودند و از وضع حجاب سخن به میان می‌آوردند.

با روی کار آمدن رضاشاه کسانی که ترک سنت و اخذ فرهنگ غربی را مهمترین عامل پیشرفت می‌دانستند در پست‌های کلیدی کشور قرار گرفته و مسئولیتهای حساسی را برعهده گرفتند. اینان سیاست ««مدرن« کردن کشور را در زمینه‌«های اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مد نظر قرار دادند. در اولین مرحله سیاست نوسازی فرهنگی پوشاک مردان مورد توجه قرار گرفت و با وضع قانون 1307ش جز طبقه روحانیان، کلیه اتباع ذکور ایرانی موظف شدند به لباس متحدالشکل درآمده و کلاه خارجی با نام کلاه پهلوی بر سر بگذارند.

با اجرای این قانون که بلافاصله در ادارات دولتی و خصوصی و سطح شهر اجرا شد به تدریج از تعداد افراد که مجاز از استفاده از لباس روحانیون بودند کاسته شد. سفر رضاشاه به ترکیه در سال 1313ش اثر عمیقی بر نگرش او نسبت به میزان استفاده از پوشاک غربی و دیگر الگوهای غربی گذاشت. از آن به بعد جهت جبران عقب‌«ماندگی ایرانیان ترکیه ملاک و الگوی پیشرفت شد. اولین اقدام رضاشاه پس از بازگشت از سفر ترکیه تغییر کلاه پهلوی به کلاه شاپو به عنوان کلاه بین‌«المللی بود. سپس در فاصله سالهای 1313ش تا 1314ش به منظور آماده ساختن افکار عمومی جهت کشف حجاب اقدامات وسیع تبلیغاتی صورت پذیرفت و کم‌کم در مدارس و جشنهای فرهنگیان حجاب ممنوع گشت.

به دنبال این سیاست، رضاشاه در اوایل خرداد 1314ش به کلیه وزرا، مدیران، رؤسا و کارمندان دولت دستور داد که هفته‌«ای یک شب با خانم‌های خود در کلوب ایران حضور یابند. او به حکمت وزیر فرهنگ امر کرد که مدارس زنانه معلمان و دختران می‌«بایست بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد او را به مدارس راه ندهند. از سویی دیگر به پاره‌«ای از فرهنگیان دستور داده شد که جمعیتی تشکیل داده و با حمایت دولت پیشقدم نهضت آزادی زنان گردند. این جمعیت بعدها ««کانون بانوان« نامگذاری شد.

با این تمهیدات در آبان ماه سال 1314ش به هنگامی که شاه پس از بازگشت از سفر مازندران از میزان موفقیت و پیشرفت بی حجابی بانوان سؤال کرد وزیر معارف پاسخ داد: اکنون دختران خردسال با روی گشاده به مدرسه می‌روند ولی نسبت به زنان سالخورده، تنها این اقدام معارف کافی نیست، باید در خانواده‌های عالی مملکت یک عمل جدی به ظهور برسد. اگر شخص اعلیحضرت پیشقدم شوند، مردم هم تأسی خواهند کرد. بالاخره در روز 17 دی ماه 1314ش در عمارت دانشسرای عالی تهران با حضور شاه و خانواده‌اش جشنی برپا شد تا دیپلم فارغ‌التحصیلان به آنها اعطا شود. در این مراسم رؤسای مدارس و همسران صاحب منصبان عالی رتبه و همسر و دختران شاه بدون حجاب ظاهر شدند و این روز به نام روز آزادی زن و کشف حجاب نامگذاری شد. از آن پس جشنهای متعددی برگزار شد و مقامات عالی رتبه مملکتی و نظامی، رؤسای ادارات و کارمندان با زنان بی حجاب خود شرکت می‌کردند. از سوی دیگر در یک اقدام خشن از سوی نیروی انتظامی در سراسر کشور حجاب زنان شامل چادر و چاقچور و روبنده از سر آنان به زور برداشته شد.

نویسنده: نیلوفر کسری

منبع: WWW.IIHS.ORG